

ویژگی‌های پان‌شیعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش

عبدالرضا عالیشاهی^۱

یونس فروزان^۲

حسین مسعودنیا^۳

چکیده

پس از برگزاری انتخابات پارلمان عراق در ۱۲ مه ۲۰۱۸، ائتلاف سائرون به ریاست مقتدی صدر با در اختیار گرفتن بیشترین کرسی‌های پارلمان عراق، سعی در تشکیل دولتی هدفمند و اعمال سیاست‌هایی داشته است که کشور عراق را به سمت ثبات، توسعه و امنیت سوق دهد. در این مقاله، هدف نویسندگان ارائه پاسخ بدین سؤال است که اصولاً مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارکردهای پان‌شیعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش چیست؟ یافته‌های مقاله که بر اساس تئوری شکاف‌های اجتماعی است، حکایت از این مسئله دارد که سه رویکرد کلان در سیاست‌های جریان صدر دیده می‌شود. نخست اقتدارگرایی شخصی صدر، دوم سیاست‌های پراگماتیستی وی در گفتگو با اهل سنت و جریان وهابیسیم سعودی و رویکرد کلان سوم حاکی از ناسیونالیسم افراطی وی دارد. در کنار این سه علت اصلی، سه عامل دیگر نیز به‌منزله دلایل تسهیل‌کننده در نظر گرفته شده‌اند که عبارتند از: عدم دخالت مرجعیت نجف در مسائل سیاسی، چالش با نیروهای حشدالشعبی و اتخاذ مواضع مبهم و دوپهلوی در قبال جمهوری اسلامی ایران و سوریه. روش تحقیق مقاله حاضر تبیینی و بهره‌گیری از منابع مکتوب و مجازی است.

واژگان کلیدی: مقتدی صدر، عراق، اقتدارگرایی، ناسیونالیسم، شکاف شیعیان.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول: Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

۲. دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

The Features of Sadr's Pan-Shiism in the Post-ISIS Iraq

Abdolreza Alishahi¹

Ph.D Student of Political Science,
Allameh Tabataba'i University

Younes Forouzan

Ph.D of Communication Sciences,
Allameh Tabataba'i University

Hossein Masoudnia

Associate professor of Political Science,
Isfahan University

Abstract

Having won the majority in the 2018 Iraqi parliamentary general elections, the Sauron coalition headed by Muqtada al-Sadr attempts to stabilize the country, maintain security and run economic development plans. This article aims to answer the following question: what are the most important features and indicators of the Sadr Pan-Shi'ite movement in the post-ISIS Iraq? Taking advantage of the theory of social gaps, the authors found out the Sadr's current three major political approaches: Sadr's personal authoritarianism, his pragmatic dialogue with the Sunnis and the Saudi Wahhabism, and his extreme nationalism. In addition to these three main causes, three other factors have been considered as facilitating factors: the lack of interference of Najaf's authority in political affairs, challenges with The Popular Mobilization Forces and the ambiguous stance towards the Islamic Republic of Iran and Syria. The research method of this paper is explanative and based on the written and virtual resources.

Keywords: Muqtada al-Sadr, Iraq, Authoritarianism, Nationalism, Shi'ite gap.

مقدمه

عراق از جمله کشورهایی است که می‌توان آن را مصداق بارز خشونت و کشمکش‌های قومی-زبانی و مذهبی در دهه اول هزاره سوم میلادی دانست. استمرار خشونت‌ها و تشدید آن، رؤیای اپوزیسیون و نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا برای دموکراسی در این کشور را به یاس و ناامیدی مبدل ساخته و نشان

¹- Corresponding Author: Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

داده است که دموکراسی از لوله تفنگ بیرون نمی‌آید و نیازمند بسترهای مناسب داخلی از زاویه‌های گوناگون جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، نخبگان، نیروهای اجتماعی متعهد به دموکراسی و حکمرانی خوب است (Sardarnia, 2012, p.9). با سقوط صدام حسین و تغییر حکومت در عراق، فرآیند چانه‌زنی برای شکل دادن به عراق جدید، مهم‌ترین موضوع پس از سال ۲۰۰۳ بوده است. این فرآیند با گذشت بیش از یک دهه درگیری‌های داخلی و خارجی، عراق را به سمت وسوی سوق داده که اینک در فهرست دولت‌های شکننده قرار دارد (Koulaei & Akbari, 2016, p.160). به‌طور کلی سیاست عراق از زمان ایجاد آن تا سقوط صدام دارای سه مشکل ساختاری به هم پیوسته‌ای بوده است: اول، به کارگیری سطوح بالایی از خشونت سازمانی از سوی دولت برای تسلط بر جامعه و شکل دادن به آن. دوم، استفاده از منابع دولتی نظیر مشاغل و کمک‌های مالی و اقتصادی به منظور جلب وفاداری بخش‌های مختلف جامعه. سوم، استفاده از درآمدهای نفتی برای افزایش استقلال و خودمختاری در برابر جامعه. این مشکلات به هم پیوسته ساختاری که ناشی از ادعاهای قوم‌مدارانه هر یک از اقوام و گروه‌ها نسبت به قدرت و بازآفرینی آن توسط دولت به عنوان استراتژی حکومت می‌باشد، عاملی برای عدم مشروعیت داخلی دولت عراق بوده است. عدم موفقیت دولت عراق در کسب حمایت و وفاداری از طریق شیوه‌های غیرخشونت‌بار، سعی این دولت در استفاده از ابزارها، سازمان‌ها و شیوه‌های اجبارآمیز، خشونت‌بار و سرکوبگرانه برای کنترل جامعه شده است. این مشکل ساختاری به عنوان اصل اساسی و ماندگار جامعه عراق در تمام دوره‌ها، از ابتدای شکل‌گیری این کشور تا به امروز وجود داشته است (Azghandi & Karami, 2007, p.7) این مسئله در ادامه برای اهل سنت عراق نیز چالش‌ها و معضلات ویژه‌ای را ایجاد نمود. اهل سنت عراق، با سقوط صدام و شکل‌گیری ساختار نوین فدرال دموکراتیک در کشور عراق، جایگاه برتر خود را از دست دادند و دچار نوعی سرگشتگی و آشفتگی سیاسی شدند؛ در نتیجه، رویکردهای سیاسی متفاوتی را در دوره‌های مختلف اتخاذ کردند. آن‌ها از سال ۲۰۰۳ به بعد، هم از ذهنیت تاریخی سلطه‌گرا و هم از فضای سیاسی امنیتی درون عراق و تا حدودی وضعیت منطقه متأثر بوده‌اند (Rastgou; Asadi & Mousavi Shafaei, 2018, p.247) نکته مهم در این میان این است که به لحاظ کارآمدی، همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی که در مقاطع مختلف در این کشور قدرت گرفتند یا حکومت‌هایی وابسته و تحمیلی بودند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط قدرت‌های استکباری انتخاب می‌شدند و یا با کودتا بر مردم عراق تسلط می‌یافتند اما ساختار سیاسی حاکم بر عراق در دوران پس‌اصدام دارای حکومت جمهوری پارلمانی دموکراتیک و فدرال است که بر اساس آن حکومت عراق از یک حکومت مرکزی و تعدادی حکومت اقلیم تشکیل شده

است. تاکنون تنها اقلیم کردستان در عراق شکل گرفته است و بقیه مناطق زیر نظر حکومت مرکزی هستند (Najafi; Masoudnia; Emamjomezadeh & Nassaj, 2016, p.163) در کنار چالش فدرالیسم، کشمکش‌های سرزمینی و چالش بر سر منابع نفتی نیز از دیگر معضلات مهم کشور عراق می‌باشد (Badie Azandahi; Mohammadi & Zamani, 2017, p.250) صرف نظر از این که اهداف واقعی آمریکا از حمله به عراق، ظهور و سقوط داعش و در نهایت مسئله استقلال اقلیم کردستان در این کشور چه بوده، باید به تحلیلی خردمندانه و به دور از ذهنیت‌های ارزشی به داوری علمی در این مورد پرداخته شود که اصولاً مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارکردهای پان‌شعیسم جریان صدر در عراق پساداعش چیست؟ در واقع، نوشتار کنونی، جستاری است در راستای تبیین این مسئله که به‌رغم وجود شکاف‌ها و گسست‌های بعضاً عمیق سیاسی در عراق، جریان صدر، سیاست کلان خود را در قبال شیعیان عراق و منطقه و دیگر طیف‌های سیاسی موجود در عراق و اهل سنت با چه تدبیر و کنش‌هایی مواجه خواهد نمود؟ فرضیه این مقاله نیز دلالت بر سه مسئله کلان اقتدارگرایی صدر، سیاست‌های پراگماتیستی وی در گفتگو با اهل سنت و جریان وهابیسیم سعودی و در نهایت ناسیونالیسم افراطی وی دارد. در خصوص پیشینه تحقیق، برخی مقالات، کتب و رساله‌های علمی بررسی می‌گردد.

۱. امیر نیاکویی و سجاد مرادی کلارده در مقاله‌ای با عنوان «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق»، معتقدند که کشورهای عربستان و ترکیه در تلاش بوده‌اند تا با بهره‌گیری از شکاف‌های اجتماعی عراق، به‌ویژه شکاف‌های مذهبی و قومی و با اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای گوناگون، دولت جدید عراق را به چالش کشیده و حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی ایران را تهدید نمایند و با لحاظ نمودن سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به واکاوی تحولات عراق پرداخته‌اند. در این راستا، در سطح داخلی شکاف‌های اجتماعی پیچیده و ضعف دولت ملت‌سازی در عراق که منجر به تأثیرگذاری بالای هویت‌های قومی و مذهبی در مقابل هویت ملی شده و زمینه پیوند برخی گروه‌های قومی مذهبی با کشورهای همسایه را ایجاد نموده، بررسی می‌شوند. در سطح منطقه‌ای، رقابت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه‌ای با بهره‌گیری از عوامل داخلی عراق و در سطح بین‌المللی نیز سیاست قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده آمریکا مورد توجه قرار می‌گیرد (Niakooei & MoradiKelardeh, 2015, pp.121-168).

۲. شهروز شریعتی و اکرم میرزاده در مقاله‌ای با عنوان «تقابل خشونت هژمونیک و تروریسم در عراق» ضمن بهره‌گیری از روش‌های توصیفی، تاریخی، تحلیلی و با استناد به داده‌های آماری این فرضیه را بررسی کرده‌اند که: «به نظر می‌رسد رشد و گسترش تروریسم در منطقه خاورمیانه عربی، حاصل کاربست عنصر خشونت آشکار و پنهان در رویکرد ثبات هژمونیک آمریکا در این منطقه بوده است». در نهایت نیز

نویسندگان با استناد به آموزه‌های نظریه ثبات هژمونیک کوشیدند تا به نسبت سنجی نظریه هژمونیک و تروریسم در عراق پردازند (Shariati & Mirzadeh, 2015, pp.78-51).

۳. مرجان بدیعی ازندهی، احد محمدی و عظیم زمانی در مقاله‌ای با عنوان «کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق: سرزمین، قومیت و سیاست»، با روش توصیفی-تحلیلی، چگونگی کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق را بررسی می‌کنند. نتیجه نویسندگان تحقیق نشان می‌دهد نه تنها واقعیت‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه مواد مندرج در قانون اساسی این کشور نیز نقشی مهم در شکل‌گیری و تعیین سرنوشت این گونه کشمکش‌ها دارد (BadieiAzandahi, Mohammadi & Zamani, 2017, pp.637-656).

۴. سجاد دادفر در مقاله‌ای با عنوان «تحول و دگردیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل - پیامدها)»، این مسئله را مطرح کرده است که تحول و دگردیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق از جمعیتی اکثرأ روستایی به جمعیتی اکثرأ شهری در کنار وقوع برخی از رخدادها و پدیده‌های سیاسی و فکری در عرصه داخل و خارج از عراق، در طی قرن بیستم، شیعیان این کشور را در موقعیت جدیدی قرار داد. واکنش شیعیان در برابر این تحولات منجر به ایجاد شرایط تازه‌ای گردید که فهم این شرایط در تحلیل نهایی سرنوشت جامعه شیعی عراق در قرن بیستم تاثیرگذار خواهد بود (Dadfar, 2010, pp.139-182).

۵. علیرضا سمیعی اصفهانی و جعفر نوروزی نژاد در مقاله‌ای با عنوان «دولت - ملت‌سازی بین‌المللی و خشونت سیاسی در عراق جدید» این مسئله اساسی را مطرح می‌کنند که پس از حذف دولت اقتدارگرای بعثی توسط نیروهای خارجی، خشونت و منازعات فرقه‌ای و قومی در این کشور شدت و گسترش بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. لذا نویسندگان درصدد ارائه پاسخ بدین سؤال بوده‌اند که علت تشدید خشونت‌های قومی و فرقه‌ای در عراق پس از فروپاشی رژیم صدام چیست؟ فرضیه پژوهش عبارت است از این که پروژه دولت-ملت‌سازی بین‌المللی یا دولت-ملت‌سازی از بیرون که با رویکردی امنیت محور از سوی غرب به‌ویژه آمریکا در عراق به مرحله اجرا درآمد به علت ناسازواری با مبانی فرهنگی، هویتی و اجتماعی این کشور خود عاملی در قطبی شدن شکاف‌های اجتماعی و تشدید خشونت‌های فرقه‌ای و قومی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای نهادی یکسان و مشابه نمی‌تواند برای همه جوامع کاربردی باشد. در عرصه نهادسازی باید به تمام قابلیت‌ها و ظرفیت‌های هر جامعه دقت کرده و ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن جامعه را به حساب آورد (SamieiEsfahani & NorouziNejad, 2012, pp.95-121).

۶. محسن خلیلی در مقاله‌ای تحت عنوان «قانون اساسی جدید عراق و پیدایش دوباره کشمکش سیاسی» این مسئله را مطرح می‌کند که یکی از مؤلفه‌های سبب‌ساز بروز بی‌ثباتی‌های کنونی در عراق، شیوه تدوین و تصویب قانون اساسی جدید این کشور است. وجود شکاف‌های عمیق قوم‌شناختی، جمعیت‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی در عراق، خودبه‌خود مسبب افزایش خشونت در محیطی شد که پیشینه فرهنگ دموکراتیک نداشت و بذر خصومت، از پیش، در آن کاشته شده بود. در جامعه عراق، به دلیل وجود پیشینه ساختار سیاسی ویژه (چیرگی ارتش، سنی‌ها و حزب بعث) عدم توسعه جامعه مدنی، سیاست‌های کوچ دادن و عربی‌سازی و حاکمیت پدرسالاری نوین حزب بعث، هیچ‌گاه زمینه‌ای مساعد برای رشد نهادهای دموکراتیک پدیدار نشد. روند مهندسی گونه تدوین قانون اساسی عراق، نیز سبب شد عراقی‌ها، بدون ممارست‌های دموکراتیک، به عرصه‌ای گام بگذارند که از پیش آن را به‌درستی نمی‌شناختند (Khalili, 2013, pp. 93-120).

اما نوآوری مقاله کنونی بیشتر معطوف به بررسی ماهیت جریان قدرت در میان طیف‌های مختلف شیعیان در عراق و تبیین و تحلیل جریان صدر در قبال آن می‌باشد. به دیگر سخن، این مسئله که پس از اضمحلال بعثیسم در عراق و سقوط داعش در این کشور و عدم تحقق استقلال اقلیم کردستان و موفقیت نسبی شیعیان در انتخابات پارلمانی عراق، جریان صدر عملاً به ظهور نوعی پان‌شیعیسم و واپسگرایی در جبهه شیعیان این کشور و دیگر متحدین جبهه مقاومت در عراق پس‌داعش منجر گردیده است.

چارچوب نظری، شکاف اجتماعی^۱

اساساً نظریه‌های شکاف‌های اجتماعی و متعاقب آن نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی در بستر سیاسی، تاریخی و اجتماعی کشورهای غربی ویژگی یافته‌اند و می‌توان آنها را خاص آن سامان دانست اما فقر نظریه‌پردازی در خصوص جوامع مسلمان و جنبش‌های اسلامی، پژوهشگران این حوزه از مسائل سیاسی را بر آن داشته است تا با تقلید از الگوهای جامعه‌شناسی و جنبش‌های اجتماعی در غرب، درصدد یافتن ویژگی‌های شکاف‌ها و جنبش‌های اسلامی برآیند؛ امری که اگر نگوییم غیرممکن، بشدت دشوار و دارای نقاط ضعف عمده‌ای است (Dehghan; Ketabi & Jafarinezhad, 2017, pp. 113-114) از طرفی، مقوله شکاف اجتماعی یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی تلقی می‌گردد که جایگاه ویژه‌ای در تحلیل و بررسی ساختارهای یک نظام اجتماعی دارد (Sardarnia, 2016, p. 144) در اهمیت مفهوم

1- Social Gap

شکاف‌های اجتماعی همین نکته کفایت می‌کند که برخی از صاحب نظران، شناخت، تبیین و تحلیل مفهوم شکاف‌های اجتماعی را وظیفه نخست جامعه‌شناسان می‌دانند (Deji, 2011, p.44) نکته مهم در این میان این است که شکاف اجتماعی عملاً موجب تفکیک و تقسیم گروه‌های فعال در جامعه می‌گردد. واقعیت نیز حکایت از این مسئله مهم دارد که حیات سیاسی در هر نظامی به انحاء مختلف، تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی آن و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، شکاف‌های اجتماعی در هر نظامی مختص آن جامعه می‌باشد (Neckerman & Florencia, 2007, p.338) مفهوم شکاف‌های اجتماعی به نوعی تداومی کننده تضاد و تفاوت اجتماعی نیز می‌باشد، زیرا مبنای اصلی شکاف‌های اجتماعی تاکید بر نقاط افتراق و تفاوت‌های موجود در میان طبیف‌های یک نظام اجتماعی است. تفاوت‌هایی که در زمینه‌های مهمی همچون ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی می‌باشد. به همین صورت، تعامل اجتماعی به صورت چشمگیری تحت تأثیر شکاف‌ها قرار دارند (McKay, 2002, p.11). مفهوم شکاف‌های اجتماعی را می‌توان دارای انواع ذیل دانست:

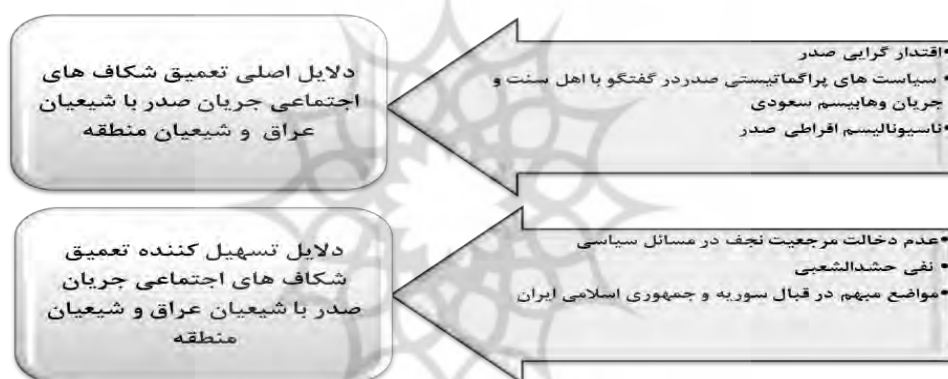
- شکاف‌های فعال و غیرفعال: شکاف‌های غیرفعال، شکاف‌هایی هستند که به‌رغم موجودیت، تأثیر چندانی بر روند زندگی سیاسی و اجتماعی نمی‌گذارند (Samiei Eafahani, 2011, p.156) به‌عنوان مثال شکاف‌های موجود در میان احزاب نه‌چندان مهم عراق همچون حزب ترکمن‌ها و جنبش دموکراتیک آشوری از این دسته شکاف‌ها تلقی می‌گردند؛ اما شکاف‌های فعال، شکاف‌هایی‌اند که همواره حیات سیاسی گروه‌های مختلف را با چالش‌های مهمی مواجه می‌کنند. در این رابطه می‌توان چالش‌های میان حزب الوطني و حزب الدعوة را مثال زد.

- در تقسیمی دیگر، شکاف‌ها را می‌توان به دو نوع شکاف ساختاری و شکاف تاریخی (تصادفی) تفکیک نمود. شکاف‌های ساختاری به نوعی از شکاف‌های اجتماعی تلقی می‌گردد که نظام‌های سیاسی، به فراخور برخی از نیازهای پایدار خویش دچار چنین شکاف‌هایی می‌گردند. به‌عنوان مثال، تقسیم کار همواره نوعی از شکاف‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند که مربوط به ساختار یک جامعه است و امر تصادفی به حساب نمی‌آید؛ اما شکاف‌های تاریخی حاصل فرآیندهای تاریخی یک کشور محسوب می‌شود و تحولات و تصادف‌های تاریخی در فرآیند شکل‌گیری آنها نقش دارند، مانند شکاف‌های قومی یا شکاف‌های زبانی (Ghasemi, 2014, pp. 47-48)

- شکاف‌های اجتماعی به لحاظ نحوه ترکیب و صورت‌بندی در جامعه، به دو نوع شکاف‌های متراکم و شکاف‌های متقاطع تقسیم می‌شوند. در برخی مواقع شکاف‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و اثر هم‌افزایی بر یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متراکم می‌گویند (Tabatabaei, 2013, pp.190-191) (به‌عنوان مثال،

پس از موفقیت‌های چشمگیر حشدالشعبی در عراق، ائتلاف مهمی میان برخی از شیعیان در قالب «الفتح المبین» صورت پذیرفت که البته این ائتلاف در شکاف قابل توجهی با جریان سائرون قرار دارد. لکن اگر در این میان، بحث دیگری همچون تغییر یا تطور روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران پیش آید که مورد اختلاف بیشتر این دو ائتلاف واقع گردد، شکاف قبلی را تشدید می‌کند، شکاف متراکم شکل می‌گیرد و سطح تضادها و تعارض‌ها افزایش می‌یابد.

به زعم نویسندگان در تبیین مجموعه عواملی که سبب تعمیق شکاف‌های گسترده اجتماعی میان جریان صدر از یک سو و شیعیان منطقه از سوی دیگر گردیده است، می‌توان به دو دسته عوامل اصلی و عوامل تسهیل‌کننده اشاراتی داشت. سه عامل اقتدارگرایی صدر، سیاست‌های پراگماتیستی وی در گفتگو با اهل سنت و جریان وهابیسیم سعودی و ناسیونالیسم افراطی را می‌توان ذیل عوامل اصلی و سه عدم مداخله مستقیم مرجعیت اعلای نجف در مسائل سیاسی، نفی حشدالشعبی و اتهام فرقه‌گرایی به شبه نظامیان آن و در نهایت اتخاذ مواضع مبهم و بعضاً پارادوکسیکال در قبال جمهوری اسلامی ایران و سوریه را می‌توان مهم‌ترین دلایل تسهیل‌کننده تعمیق شکاف‌های این دو کشور تلقی نمود.



شکل (۱): تبیین دلایل تعمیق شکاف‌ها میان جریان صدر و شیعیان با تأکید بر دلایل اصلی و تسهیل‌کننده

۲. توزیع قدرت در میان شیعیان عراق

۲.۱. جماعت العلماء فی النجف الاشرف: جماعت العلماء فی النجف الاشرف و سپس حزب الدعوة الاسلامیه، هر دو، تشکیلاتی سیاسی بودند که در دهه ۱۹۵۰ و در پاسخ به گرایش‌های کمونیستی دولت وقت عراق از یک سو و برای پیشبرد نهضت اسلامی از سوی دیگر پدید آمدند (Alivi, 2001, p. 53) در

تأسیس و تثبیت جماعت العلماء، گروهی از علمای بلند پایه، به پشتیبانی مراجع بزرگ آن زمان (آیات عظام سید محسن طباطبایی حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید مهدی حسینی شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، میرزا آقا شیرازی، شیخ عبدالکریم جزایری و سید محمد بغدادی)، سهم جدی داشتند (Naderi, 2013, pp. 13-14)) جماعت العلماء در آغاز فعالیت خود هفت بیانیه صادر کرد که از رادیو رسمی عراق پخش می‌گردید. همه این بیانیه‌ها به قلم محمدباقر صدر بود و محتوای آنها عبارت بود از: دعوت مردم به پایبندی به معتقدات اسلامی، دفاع از اسلام در برابر سرمایه‌داری و کمونیسم، جامعیت اسلام در حل تمام مشکلات جامعه، تشویق به وحدت و پرهیز از تفرقه، آگاه‌سازی جامعه از سیاست استعماری جدایی دین از سیاست و ترسیم سیاست صحیح اسلامی. جامعه العلماء پس از سقوط ژنرال قاسم و در اواخر سال‌های ۱۹۶۱ به محاق رفت و حزب الدعوه الاسلامیه جانشین قدرتمند آن گردید (Momen, 2004, p. 39)) همگرایی اعضای حزب الدعوه با سیاست‌های جمهوری اسلامی بسیار وسیع بوده تا جایی که تبیین‌گر نظریه ولایت فقیه در کشور عراق گردیدند و عمده خطوط مشی فکری آنان مبارزه با استعمار و تحقق دولت اسلامی بوده است.

جدول (۱): ویژگی‌های حزب جماعه العلمای عراق

جماعه العلمافی النجف الاشرف	
تاریخ تأسیس	۱۹۵۰ میلادی (۱۳۳۹ شمسی)
علت تأسیس	تقابل با نگرش‌های کمونیستی دولت ژنرال قاسم
خط مشی اصلی	اعتلای و ترویج اصول دین، تبلیغ شریعت اسلام و تحقق دولت اسلامی
طیف حامیان - هواداران	جمهوری اسلامی ایران
طیف مخالفان - منتقدان	دولت ژنرال قاسم
فعالیت / عدم فعالیت	عدم فعالیت: به علت شکاف در حزب و تفکیک به دو بخش همگرا و بخش مستقبل با رویکردهای دموکراتیک‌تر

۲,۲. حزب الدعوه الاسلامیه: «حزب الدعوه الاسلامیه» یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی موجود در عراق است که در ۱۲ اکتبر سال ۱۹۵۷ در شهر نجف تأسیس شد. حزب الدعوه فعالیت علنی خود را پس از به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۸ آغاز کرد (Doust Mohammadi & Salem, 2015, p.668)) با تهاجم آمریکا و سقوط توتالیتاریانیسم صدام، فرصتی در اختیار حزب الدعوه قرار گرفت تا دیدگاه خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی که بیش از ۴۰ سال آن را دنبال می‌کرد، به اجرا گذارد. در آن بازه زمانی، ابراهیم جعفری به عنوان دبیر کل «حزب الدعوه» به نمایندگی

از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغالگران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آن‌ها نیز تأکید کرد (Dai, 2008, p.244) پس از تشکیل شورای حکومتی در ژوئیه سال ۲۰۰۳ دبیر کل حزب، ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. پس از وی، در مه ۲۰۰۶ نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست‌وزیر به مدت هشت سال از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ میلادی انتخاب شد. همچنین پس از نخست‌وزیری نوری مالکی و پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست‌وزیر، حیدر العبادی که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری حزب الدعوه را در کارنامه خود داشت، در ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست‌وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد (Sohrabi; Ashrafi & Karimi, 2016, p.176)

جدول (۲): ویژگی‌های حزب الدعوه الاسلامیه عراق

حزب الدعوه الاسلامیه	
تاریخ تأسیس	۱۹۵۷ میلادی (۱۳۴۶ شمسی)
علت تأسیس	علمای اسلام در خطر بودند، ناسیونالیسم عربی و کمونیسم تعداد زیادی از عراقی‌ها را جذب کرده بودند، تشدید مسئله جدایی مذهب از دولت و نفی دخالت روحانیون در سیاست
خط مشی اصلی	دعوت به ایمان آوردن به مذهب (دین) واقعی
طیف حامیان- هواداران	اخوان المسلمین مصر
طیف مخالفان- منتقدان	جمهوری اسلامی ایران (به سبب تأکید بر شورایی بودن ولایت)، تفسیر نوین از نظریه ولایت فقیه، رویکردی پراگماتیک نسبت به قدرت آمریکا
فعالیت/ عدم فعالیت	در حال حاضر فعال است

۲،۳. مجلس اعلای اسلامی عراق: سید محمدباقر حکیم در اکتبر سال ۱۹۸۲ طی نشست خبری گسترده‌ای در تهران، از تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق خبر داد. مجلس اعلا جهت‌گیری‌های مختلفی را در خود جای می‌داد و مبتنی بر خط فکری امام خمینی (ره) در مبناهای فکری خود بود (Mirahmadi & Marzeh, 2017, p.83). آیت‌الله حکیم در این زمینه می‌گوید: «تشکیل این مجلس زمانی رخ داد که شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر به دست رژیم حاکم بر عراق، خلأ بزرگی در رهبری مبارزات اسلامی عراق به وجود آورده بود. از این رو، جمعی از علما و شاگردان شهید صدر و رهبران جنبش اسلامی عراق برای جبران این خلأ دست به کار شدند و با همکاری و هماهنگی جمهوری اسلامی ایران، بحث‌های

مفصل و تلاش‌های متعددی صورت گرفت که تأسیس جمعیت علمای مجاهد عراق و پس‌از آن «دفتر انقلاب اسلامی عراق» و سپس تلفیق و توسعه همه این مؤسسات در «مجلس اعلای اسلامی عراق» اتفاق افتاد» (TaheriKalKeshondi & Taghizadeh Davari, 2014, p.131)

جدول (۳): ویژگی‌های مجلس اعلای اسلامی عراق

مجلس اعلای اسلامی عراق	
تاریخ تأسیس	۱۹۸۲ میلادی (۱۳۶۱ شمسی)
علت تأسیس	سرنگونی حکومت صدام حسین توسط سیاست‌مداران و روحانیون عراقی مقیم ایران
خط مشی اصلی	وحدت گروه‌های عراقی و ائتلاف وسیع شیعیان عراقی در قالب تشکیل نظام سیاسی شیعه محور
طیف حامیان- هواداران	جمهوری اسلامی ایران، نوری المالکی، مرجعیت اعلای شیعیان عراق
طیف مخالفان- منتقدان	رژیم بعث صدام، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، ایاد علاوی، جریان مقتدی صدر (مخالفت با سپاه بدر)
فعالیت / عدم فعالیت	در حال حاضر فعال است

۲۰۴. جریان مقتدی صدر: به ریاست مقتدا صدر که در آن، مجموعه‌ای از روحانیان معمم و غیر آن حضور دارند، مانند عبدالهادی الدراجی، صلاح العییدی، حازم الاعرجی، و ایهاب الاعرجی. به طور مشخص، مرجع این گروه پس از شهادت سید محمد صادق صدر، آیت‌الله کاظم حائری بوده که اکنون در ایران (شهر قم) ساکن است. حزب فضیلت عراق از جمله احزاب شیعی این کشور، منبعث از خط فکری و ایدئولوژیکی این جریان می‌باشد (Najafi et al., 2016, pp.103-104).

به‌طور کلی باید اذعان داشت در شیعیان مذهبی عراق که حدود ۶۰٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در عرصه سیاست نوری المالکی، حیدر العبادی، مقتدی صدر، سید عمارالحکیم، هادی العامری و ایاد العلاوی حضوری سازنده و تعیین کننده دارند. در این میان، مقتدی صدر بسیار تأثیرگذار و با نفوذ می‌باشد، هم در شوراها و استانی دارای نمایندگان بسیار بوده و هم در پارلمان عراق با فراکسیون «سائرون» حضور دارد. او ۵۴ کرسی نماینده در آخرین انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ به دست آورد که سهم چند وزیر و معاون را در دولت عراق نیز دارد (MacDonald, 2018)

جدول (۴): ویژگی‌های جریان مقتدی صدر عراق

جریان مقتدی صدر عراق	
تاریخ تأسیس	۱۹۹۸ میلادی (۱۳۷۷ شمسی)، پس از ترور سید محمد صدر
علت تأسیس	مبارزه و نابودی حکومت‌های غیر شیعی (صدام)
خط مشی اصلی	ولایت تام مرجع تقلید بر همه امور سیاسی و غیر سیاسی شیعیان و مبارزه تا تحقق ارزش‌های دینی و ملی
طیف حامیان- هواداران	ایاد العلاوی: گرایشات پان عربی قدرتمند، مخالفت با حشدالشعبی، چالش با ایران
	عربستان سعودی: سیاست‌های پان عربیستی قدرتمند جریان صدر
طیف مخالفان- منتقدان	جمهوری اسلامی ایران: مخالفت با سیاست‌های ایران در عراق و حمایت‌های ایران از مخالفین صدر همچون مالکی و عبادی و...
	بشار اسد: مواضع خصمانه در قبال بحران سوریه
	آمریکا: مبارزه ایدئولوژیکی و نظامی علیه نیروهای آمریکایی مستقر در عراق
	نوری المالکی: سیاست‌های اقتصادی و امنیتی مالکی در عراق
	مرجعیت اعلای عراق: ایرانی الاصل بودن مرجعیت اعلای عراق و مواضع محافظه کارانه در مبارزه مستقیم با نیروهای آمریکایی
	جریان حکیم: شکاف‌های ایدئولوژیکی و نظامی با جریان حکیم
	در حال حاضر فعال است
فعالیت/ عدم فعالیت	

۳. دلایل اصلی تعمیق شکاف‌های اجتماعی جریان صدر با شیعیان عراق

۳،۱. اقتدارگرایی مقتدی صدر: جریان صدر، بارها این مسئله را نشان داد که نه تنها در عناد و دشمنی آشکار با نیروهای آمریکایی و خارجی حاضر در عراق قرار دارد، بلکه بارها با دولت مرکزی و حتی اهل سنت رادیکال عراق نیز به تخاصم و حتی کشمکش‌های نظامی گسترده مبادرت ورزیده است. این مسئله برعکس مواضع صدر در رابطه با وحدت تمامی طیف‌ها و نیروهای سیاسی موجود در عراق بوده است. در تحلیل این مسئله باید اذعان داشت که اصولاً جریان صدر، هرگونه رویکردهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خارج از منش خود را نه با شیوه‌های دموکراتیک که با تشدید چالش‌های نظامی و شورش‌های ممتد پاسخ می‌دهد. در ذیل برخی از مهم‌ترین سیاست‌های پراگماتیستی جریان صدر که منجر به شکاف‌های عمیق اجتماعی و ایدئولوژیکی با شیعیان عراق شده است، اشاره خواهیم کرد:

۳،۱،۱. گسست کامل جریان صدر و نوری مالکی: اوج تعمیق شکاف‌های اجتماعی جریان صدر با شیعیان عراق را می‌توان چالش با نوری المالکی، رهبر حزب الدعوه و حزب قانون دانست که پیشتر در ائتلافی

عمیق و وحدتی پراگماتیستی با یکدیگر قرار داشته‌اند (Murphy & Qassim, 2008, p.26) در شناخت‌شناسی دلایل تعمیق شکاف‌ها میان جریان صدر و مالکی باید به چند مسئله اشاره کرد. نخست آنکه نوری المالکی در دو مسئله کلان حفظ و حراست از تمامیت ارضی و سیاسی عراق و بیرون راندن اشغالگران آمریکایی کاملاً ناموفق اقدام کرد و در ادامه نه تنها وحدت پراگماتیک خود با جریان‌های صدر و حکیم را ادامه نداد بلکه تحت فشار نیروهای آمریکایی به خصومت، چالش‌های خصمانه و در نهایت جنگ و زندانی کردن سران جریان صدر مبادرت ورزید (Mansour, 2017, p.24). نقطه اوج چالش میان طرفین، در خلال جنگ بصره و در سال ۲۰۰۸ میلادی به وقوع پیوست که در پی خروج نیروهای انگلیسی از بصره، شبه نظامیان جریان صدر موسوم به جیش المهدی، عملاً کنترل این شهر را در اختیار گرفته و پس از یک هفته درگیری‌های نظامی وسیع با نیروهای مرکزی دولت مالکی، با این شرط که فعالیت‌های سیاسی صدر ادامه یابد، عملاً جیش المهدی جریان صدر منحل گردید (Cochrane, 2008, p.6). دوم، با ظهور گروهک تروریستی داعش، باز هم انتقادات جریان صدر به مالکی صورت پذیرفت و این بار با این استدلال که دولت نوری المالکی، توانایی حفظ و حراست از تمامیت ارضی عراق را ندارد، وی را فردی شایسته قدرت تلقی کرده و اذعان داشت: «مالکی یک سوم عراق را به تروریسم فروخت و دیگر نباید در امور مربوط به مبارزه و مبارزان مداخله کند. عراقی‌ها دیگر هرگز کشور را در دستان کسی که امانتدار نیست نخواهند گذاشت».

۳،۱،۲. گسست جریان صدر با مجلس اعلای شیعیان حکیم: مقتدی صدر و ساختار آن با مجلس اعلای شیعیان حکیم نیز بعضاً دچار شکاف‌های مهمی شده است. گذشته از نزدیکی و قرابت‌های ایدئولوژیکی جریان حکیم به رویکردهای آیت الله سیستانی و گرایش به سمت جمهوری اسلامی ایران که به تعمیق شکاف‌های میان دو جریان صدر و حکیم دامن زده است، درگیری‌های نظامی جیش المهدی، با شبه نظامیان وابسته به جریان حکیم موسوم به سپاه بدر، در واقعه نیمه شعبان سال ۲۰۰۷ میلادی در کربلا، به تعمیق هرچه بیشتر شکاف‌های این دو جریان منتهی گردید. هرچند بعدها شبه نظامیان دو جریان با معاهده صلح‌نامه‌ای به این مسئله خاتمه دادند، لکن این مسئله که جریان صدر همواره به نیروهای سپاه بدر به چشم یک ساختار نظامی‌ای که از اصول و مبانی اصیل شیعه عدول کرده است می‌نگرد و از دیگر سو، همواره

۱- در این رابطه رجوع کنید به: سید مقتدی صدر کیست؟، پاگاه خبری شیعه نیوز، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://www.shia-news.com/fa/news/162992>

به این مسئله مهم که سپاه بدر، بیش از آنکه به مصالح عراق توجه کند، خط مشی نظامی و سیاسی خود را از دیگر متحدین منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان می‌گیرد (Jabar, 2018, pp.21-22)

۳،۲. تغییر پارادایم گفتمانی جریان صدر در قبال جریان وهابیسیم سعودی و اهل سنت منطقه:

۳،۲،۱. گسترش مناسبات با جریان وهابیسیم سعودی: مقتدی صدر که پیشتر یکی از مهم‌ترین مخالفان سیاست‌های جریان وهابیسیم سعودی قلمداد می‌گردید و این مواضع ضد سعودی وی در وقایعی همچون درخواست تعطیل سفارت عربستان در بغداد در اعتراض به اعدام آیت الله شیخ باقر النمر و انتقاد شدید وی از دخالت نظامی سعودی‌ها در سرکوب شیعیان بحرین به چشم می‌آمد، در تاریخ ۲۰۱۷ دیداری با محمد بن سلمان، ولی عهد عربستان انجام می‌دهد. این در حالی است که چنین سفری در حالی صورت گرفت که وهابیت سعودی در حال سرکوب مردم العوامیه در شرق عربستان بوده و گذشته از آن حملات سعودی‌ها به نیروهای حشد شعبی عراق که در بازپس‌گیری مناطق بسیاری از عراق نقش داشته‌اند، ادامه دارد. در تحلیل چرایی این سفر، می‌توان به چهار موضوع عمده اشاره نمود:

۱. پس از سفر نوری المالکی به روسیه و دیدار وی با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور، به نظر می‌رسد جریان صدر نیز در اقدامی مشابه درصدد القاء این مسئله است که محور عربی به رهبری عربستان سعودی نیز حامیان جریان صدر می‌باشند. مخصوصاً اذعان مقتدی صدر به این جمله که «ریاض به منزله پدر برای همگان است و قدرت خود را ثابت کرده است و در تلاش برای برقراری صلح در منطقه است» بیش از پیش احتمال چنین مسئله‌ای را قوت می‌بخشد؛

۲. تحلیل دوم را می‌توان معطوف به این مسئله دانست که مقتدی صدر درصدد بررسی ائتلاف انتخابات عراق با جریان ایاد علاوی، شیعه سکولار مورد اتقان سعودی‌هاست. به دیگر سخن، چنین ائتلافی می‌تواند کرسی‌های زیادی را در پارلمان عراق به خود اختصاص دهد و از سویی دیگر، منابع مالی مورد نیاز را هم از سوی سعودی‌ها تأمین نماید. ائتلافی که عمدتاً بر ماهیت پان عربیسم قدرتمند و تا حدودی مبتنی بر عدم نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق خواهد بود؛

۳. پس از تشنج و وقوع چالش‌های متمادی در مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی، چنین سفری می‌تواند تا حد زیادی اوضاع شعله‌ور استان‌های قطیف و شهر العوامیه در عربستان را آرام کند. چراکه جریان صدر پایگاه‌های مردمی زیادی در این مناطق دارد؛

۴. در نهایت می‌توان به این مسئله اذعان نمود که سفر مقتدی صدر به عربستان سعودی، می‌تواند از یک‌طرف سیاست‌های خصمانه سعودی‌ها را در قبال عراق تغییر دهد و از طرفی دیگر، به‌نوعی

درخواست سعودی‌ها از صدر برای رایزنی با جمهوری اسلامی ایران برای توقف حمایت از حوثی‌ها در جنگ یمن باشد (Mostafa, 2017, pp.3-4).



شکل (۲): تحلیل دلایل سفر مقتدی صدر به عربستان سعودی و دیدار با محمد بن سلمان

۳،۲،۲. همگرایی با اهل سنت عراق: هرچند سیاست‌های مقتدی صدر مبتنی بر وحدت مسلمانان شیعه و سنی در عراق است، اما نباید فراموش کرد خصومت‌ها و چالش‌های نظامی جیش المهدی و افراتیون اهل سنت عراق خصوصاً در سال ۲۰۰۶ و پس از تخریب اماکن مقدس شیعه حرمین عسگرین سامرا به شدیدترین حالت خود درآمد. اصولاً رویکردهای همگرایی صدر با اهل سنت عراق را می‌توان تلاش وی در راستای جلب حمایت‌های همه‌جانبه علمای اهل سنت بصره، طرح‌های توسعه کشاورزی و صنعتی در استان‌های عمدتاً سنی عراق در کنار استان‌های شیعه‌نشین و نهایتاً اعلان طرح وحدت ملی با مشارکت عشایر اهل سنت عراق در این کشور با هدف مبارزه با فساد دولتی و مشارکت تمامی طیف‌های سیاسی عراق اعم از شیعه و سنی می‌باشد (Helfont, 2018, p.412).

۳،۲،۳. عراق به مثابه آلترناتیوی برای قطر در شورای همکاری خلیج فارس: پس از ایجاد شکاف‌های عمیق و گسست ایدئوژیک میان قطر و عربستان سعودی در ۵ ژوئن ۲۰۱۷ که به قطع روابط سیاسی دو کشور منتهی گردید، قطر از سوی بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تحریم گردید که در تبیین آن سه علت گسترش جاه‌طلبی‌های قطر و فعالیت‌های شبکه الجزیره این کشور، ترویج اسلام اخوانی قطر در

تقابل با اسلام وهابی سعودی‌ها و اختلافات ارضی عربستان و قطری‌ها برشمرده (Alishahi; Masoudnia & Forouzan, 2017: p.49) محور سعودی در پی آلترناتیوی مطمئن و قدرتمند به جای قطر در شورای همکاری خلیج فارس برآمده است. در این میان، مقتدی صدر که با رویکرد اصلی مبارزه با فساد دولتی، وحدت فزاینده سیاسی در میان طیف‌های مختلف عراق و طرح‌های کلان توسعه اقتصادی، کشاورزی و صنعتی وارد عرصه انتخابات گردید، تمایل فزاینده‌ای به عضویت در شورای همکاری خلیج فارس دارد. در همین راستا سه علت عمده را می‌توان ذکر کرد:

۱. حمایت افکار عمومی عراق برای عضویت در شورای همکاری خلیج فارس؛
۲. سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان سعودی برای تحقق بخش‌های عمده‌ای از برنامه‌های توسعه‌ای جریان صدر در عراق که علاوه بر استان‌های سنی‌نشین، مناطق شیعه‌نشین عراق را نیز شامل می‌گردد که نمونه بارز آن استان المثنی با مرکزیت شهر سماوه.



نقشه ۱: جایگاه ژئواستراتژیک استان المثنی برای سرمایه‌گذاری سعودی‌ها در طرح‌های توسعه‌ای جریان صدر

۳. حضور یک جریان شیعی قدرتمند عراقی در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در راستای مهار سیاست‌های جبهه مقاومت شیعیان در خاورمیانه (Coker, 2018, p.3)

۳.۳. ناسیونالیسم افراطی صدر

از دیگر رویکردهای جریان صدر که می‌تواند عاملی برای تعمیق شکاف‌ها با جریان مقاومت شیعه در منطقه قرار گیرد، موضوع ناسیونالیسم افراطی وی می‌باشد. نکته درخور توجه در این میان ائتلاف جریان صدر با احزاب کمونیست عراق است. در حالی که در اساسنامه جماعه العلماء که پدر صدر در آن فعالیت بسیار داشت، مبارزه با اندیشه‌های کمونیستی اصل مهمی قلمداد می‌گردید، در ائتلاف سائرون طیفی از نیروهای چپ رادیکال تا راست رادیکال حضور دارند (Aboulenein & Chmaytelli, 2018, p.4). صباح زنگنه، تحلیلگر مسائل خاورمیانه درباره موقعیت فهرست سائرون به رهبری مقتدی صدر معتقد است: «سائرون ترکیبی از گروه‌های مختلف است. وزن این گروه‌ها در ایجاد موج تبلیغاتی قابل توجه است. خیلی از فعالیت رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی در اختیار گروه‌های زیر مجموعه این فهرست است. از نظر میدانی هم حضور تشکیلات سرا یا السلام در مناطق صلاح‌الدین، بغداد و نجف در هدایت آرای مردمی نقش داشته است. آمریکا و برخی کشورهای همسایه (عربستان و امارات) هم با تزریق پول در دو فهرست سائرون و النصر به انتخابات جهت دادند. حضور نمایندگان ناسیونالیست در این دو فهرست قابل مشاهده است که با کمک‌های مالی فراوان توانستند به بسیج امکانات پردازند و آرای بیشتری کسب کنند».

۴. دلایل تسهیل‌کننده تعمیق شکاف‌های اجتماعی جریان صدر با شیعیان عراق و شیعیان منطقه

۴.۱. شکاف‌های موجود میان مرجعیت شیعیان عراق و جریان صدر: مقتدی صدر به تاسی از پدرش، سیدمحمد صدر، بر این موضع سیاسی و عقیدتی است که مرجعیت شیعه، در عصر غیبت بر تمامی امور سیاسی، مذهبی و ... مقلدان خود ولایت تام دارد. این در حالی است که مرجعیت اعلای عراق آیت الله سیستانی اصولاً در مسائل سیاسی رویکرد محافظه‌کارانه‌ای دارد و حداقل امکان مسائل سیاسی را از مسائل حکومتی تفکیک می‌کند. از طرفی، برخی معتقدند که ایرانی الاصل بودن آیت الله سیستانی نیز در این مسئله تأثیرگذار می‌باشد و دسته سوم این موضوع را مطرح می‌کنند که مواضع بعضاً محتاطانه آیت الله

۱- در این رابطه رجوع کنید به: انتخابات عراق؛ مقتدی صدر اوج گرفت، پایگاه خبری تحلیلی راه امروز، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

سیستانی در مبارزه با نیروهای اشغالگر آمریکایی به نوعی ایجاد شکاف میان وی و مقتدی صدر نموده است (Rahimi, 2007, pp. 5-6).

۴,۲. شکاف‌های ایدئولوژیکی عمیق با حشدالشعبی: پس از اشغال موصل از سوی داعش در سال ۲۰۱۴، مرجعیت عالی شیعیان عراق، آیت الله سیستانی حکم عمومی جهاد را صادر نمود. در این وضعیت، مقتدی صدر شبه نظامیان سرایا السلام را بنیان نهاد و در مبارزه با داعش در مناطق شمال عراق نقش مهمی را ایفا کرد. همزمان، هادی العامری نیز تشکیلات بسیج مردمی عراق موسوم به الحشد الشعبی^۱ را تأسیس کرد تا به صورت گسترده در سراسر عراق نیروهای داوطلب را سازماندهی کند. حشدالشعبی ساختاری وسیع‌تر به شمار می‌رفت تا جایی که توانایی سازماندهی و تجهیز بیش از ۳۰ گروه فعال نظامی را دارا بود. از طرفی، به لحاظ رویکردهای آموزشی و برگزاری دوره‌های حرفه‌ای و حضور مستشاران نظامی و ادوات جنگی به مراتب از پیشرفتگی بالاتری در قیاس با سرایا السلام برخوردار بود اما در این میان، آزادسازی تکریت با حواشی خاصی همراه شد که نوعی بدبینی جریان صدر نسبت به حشد الشعبی را به دنبال داشت. از این برهه، روابط مقتدی صدر با هادی العامری رو به افول و ضعف می‌رود و در سال ۲۰۱۶ این اختلاف به اوج خود می‌رسد. پس از افول داعش در عراق، مقتدی صدر با این استدلال که «کشور عراق باید از مرکزیت برخوردار باشد، بدون اینکه دو ارتش در کشور وجود داشته باشد»، از گروه‌های مقاومت اسلامی وابسته به تشکیلات بسیج مردمی الحشد الشعبی خواست که سلاح خود را به طور انحصاری در اختیار دولت مرکزی عراق قرار دهند. وی همچنین از گروه‌های مقاومت اسلامی عراق خواست که با بسط سلطه دولت مرکزی بر تمامی اراضی عراق به تقویت این دولت کمک کرده، بدون اینکه بخواهند در کار کشور دخالت کنند (Baghdad, 2018, p.1). صدر در ادامه دولت عراق را از حضور الحشد الشعبی در انتخابات آینده این کشور برحذر داشت؛ چراکه به زعم وی، حضور حشدالشعبی در انتخابات عراق، این کشور را به سمت و سوی یک نظام میلیتاریستی اقتدارگرا سوق خواهد داد (Cambanis, 2018, p.7).

در خصوص ماهیت شکاف‌های عمیق میان جریان صدر و شبه نظامیان موسوم به حشدالشعبی عراق نیز می‌توان چند تحلیل کلی ارائه کرد:

۴,۲,۱. مقابله با جمهوری اسلامی ایران: مقتدی صدر بارها به مسئله نفوذ همپیمانان شیعه خود همچون جمهوری اسلامی ایران در مسائل عراق با نگاه منتقدانه نگریسته است. از سویی دیگر، حشدالشعبی پس از

1-The Popular Mobilization Forces (PMF)

رسمیت یافتن موجودیت خود در پارلمان عراق، درصدد کسب موفقیت دیگری (پس از مبارزه با داعش) و این بار در صحنه انتخابات پارلمان عراق بوده است. این مسئله زمانی ملموس‌تر می‌گردد که حشدالشعبی با حمایت‌های نظامی، اقتصادی و معنوی وسیع جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان رسماً در انتخابات پارلمانی عراق حضور یافت (Noman, 2018, p.2)؛

۴,۲,۲. مقابله به مثل با نیروهای حشدالشعبی در پاسخ به انحلال جیش المهدی: مقتدی صدر پس از چالش‌های عمیق با نوری المالکی و اجبار به انحلال جیش المهدی از سوی دولت مرکزی عراق، اینبار با استناد به همان استدلال‌ات پیشین نوری المالکی مبنی بر این مسئله که کشور عراق نیازی به حضور نیروهای نظامی خارج از حیطه ارتش ندارد (عدم مشروعیت جیش المهدی)، سعی در زوال مشروعیت حشدالشعبی داشته است؛^۱

۴,۲,۳. ماهیت صرفاً نظامی حشدالشعبی نه مداخلات سیاسی آن: مقتدی صدر همواره بر این اصل که نیروهای شبه نظامی حشدالعربی به دستور مرجعیت عراق و در راستای جهاد با تکفیریون تشکیل شده است، لذا ادامه فعالیت‌های آن در خوش بینانه‌ترین حالت می‌بایست معطوف به مسائل امنیتی و نظامی باشد و نه حضور در مسائل سیاسی. به همین سبب، جریان صدر حضور نیروهای حشدالشعبی در انتخابات عراق را از دو جنب تهدیدی برای جریان خود قلمداد می‌کند. از یک سو، حضور حشدالشعبی در انتخابات عراق با توجه به محبوبیت‌های روزافزون این گروه شبه نظامی در مبارزات موفقیت آمیز با داعش خطری بالقوه محسوب خواهد شد. از سویی دیگر، حمایت‌های وسیع جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان احتمال موفقیت حشدالعربی را در پارلمان عراق تشدید خواهد کرد (Seifalddin, 2018, p.4)؛

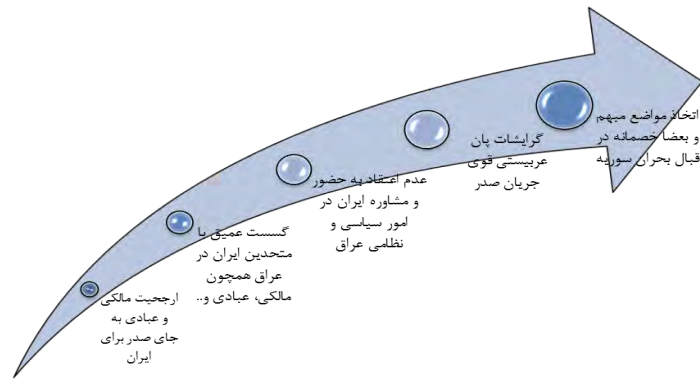
۴,۲,۴. تشکیل یک حکومت نظامی اقتدارگرا و احیای دیکتاتوری شبه بعثی: مقتدی صدر که پیشتر از مخالفین و مبارزین جدی با دولت بعث عراق به شمار می‌رفت و همواره استبداد، توتالیترانیسم و حضور نظامیان در سیاست را نقد می‌کرد، این بار نیز پس از قدرت روزافزون نیروهای حشدالشعبی، با این استدلال که موفقیت‌های این گروهک نظامی مشروعیت موفقیت و حضور آنان در پارلمان عراق را نیز مهیا خواهد کرد، خطر بالقوه حضور نظامیان را در میان طیف‌های وابسته به خود همواره اعلام کرده است. به دیگر سخن، مقتدی صدر خطر ظهور یک حکومت نظامی اقتدارگرا که به زودی دیکتاتوری شبه صدامی را در

1- Does Iraq stem from Iran's control? Sadr progresses in parliamentary elections, and Haydar al-Abadi colonizes , Access in: <https://arabicpost.net/politics>

عراق احیا خواهد کرد، از دیگر دستاویزهای صدر در مخالفت با حضور نیروهای حشدالشعبی در انتخابات پارلمانی و دیگر مسائل سیاسی عراق بوده است (Mansour & AbdolJabbar, 2018, p.14). به همین سبب، مقتدی صدر بارها از حضور شبه نظامیان حشد الشعبی در انتخابات با عنوان تهدیدی برای توسعه و وحدت عراق یاد کرده است و تلویحاً جمهوری اسلامی ایران را مقصر نخست حمایت و تهییج حشدالشعبی در انتخابات عراق قلمداد کرده است. مسئله‌ای که واکنش‌های ناسیونالیستی هواداران صدر را به شدت برانگیخت و مواضع ضد ایرانی شیعیان بصره، نجف و کربلا را به بالاترین میزان خود رساند و از طرفی دیگر بسترساز ائتلاف قدرتمند مخالفین جمهوری اسلامی ایران با جریان صدر را مهیا ساخت.

۴,۳. مواضع مبهم در قبال جمهوری اسلامی ایران و سوریه: از دیگر رویکردهای بعضاً مبهم و نامشخص مقتدی صدر که به تعمیق شکاف‌ها در میان جبهه شیعیان، به‌ویژه شیعیان محور مقاومت، منجر گردیده است، دو مسئله نزدیکی و یا عدم گرایش‌های ایدئولوژیکی و سیاسی وی به مواضع جمهوری اسلامی ایران و سوریه می‌باشد. وی در ۲۰۰۵ و در آغاز فعالیت‌های سیاسی، طی سفر رسمی به ایران با اشاره به وظیفه جیش‌المهدی در حمایت از اسلام گفته بود اگر کشورهای اسلامی و همسایه از جمله ایران مورد حمله قرار گیرند، از آن کشورها حمایت می‌کنیم. با روی کار آمدن دولت نوری المالکی و حمایت‌های تهران از دولت تکنوکرات وی از یک سو و تعمیق شکاف‌ها و اختلافات میان مالکی و جریان صدر، جمهوری اسلامی با رویکردی اعتدال‌گرایانه سعی در حل و فصل این موضوع به صورت کاملاً مسالمت‌آمیز نمود.^۱ اما از آنجایی که عمق شکاف‌ها و گسست دو جریان مالکی و صدر بسیار زیاد بود، لاجرم به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران سعی در انزوای جریان صدر گرفته باشد. در تعمیق شکاف میان جمهوری اسلامی ایران و صدر می‌توان به چند علت عمده اشاره نمود: گرایش‌های قدرتمند پان عربیستی جریان صدر؛ اعتقاد به عدم حضور، مشاوره و مداخله جمهوری اسلامی ایران در مسائل عراق، به‌ویژه مسئله شیعیان، اتخاذ مواضع مبهم و بعضاً خصمانه در قبال جبهه مقاومت شیعیان به‌ویژه بحران سوریه؛ گسست عمیق جریان صدر با متحدین جمهوری اسلامی در عراق همچون جریان‌های مالکی، عبادی و نیروهای حشدالشعبی؛ ارجحیت نوری المالکی و بعدها حیدر العبادی به جای مقتدی صدر در سیاست‌های جمهوری اسلامی.

۱- رجوع کنید به: جیش‌المهدی از کشورهای اسلامی که مورد حمله قرار گیرند حمایت می‌کند. خبرگزاری فارس، ۲ بهمن ۱۳۸۴



شکل ۳: دلایل تعمیق شکاف‌های جمهوری اسلامی ایران و جریان صدر

جریان صدر در خصوص بحران سوریه نیز مواضعی بعضاً متناقض و دوپهلوی اتخاذ نمود. در ابتدای تحولات منتهی به بیداری اسلامی وی با حمایت از دولت اسد، اعلام داشت آنچه که امروز در سوریه می‌گذرد در قیاس با دیگر جوامع عربی منطقه تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد. وی با دعوت از ملت سوریه به آرامش و عدم حضور در جنگ داخلی از تمامی طیف‌های مخالف دولت اسد برای گفتگوی مسالمت آمیز و دموکراتیک دعوت به عمل آورد. از سویی دیگر، وی پس از حضور مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان، شبه نظامیان شیعیان افغانستان و عراق در سوریه، مقتدی صدر تمامی پیروان خود را به عقب نشینی نظامی از سوریه فراخواند و بر این مسئله که تنها مردم سوریه تعیین کنندگان حق سرنوشت خود می‌باشند، تاکید نمود. صدر حتی کشته شدگان شیعه در بحران سوریه را شهید قلمداد نکرد و در نهایت بر این مسئله تاکید کرد که در شرایط کنونی بهتر است بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه به خاطر ملت خود، استعفا کرده و از حکومت کناره‌گیری کند تا این کشور بیش از این دچار جنگ و خونریزی نگردد و زمام امور را به دست مردم سپارد (Chmaytelli, 2017, p.2).

نتیجه‌گیری

مقاله کنونی جستاری بود از بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای جریان مقتدی صدر، رهبر شیعه جریان صدر در عراق پس‌اداعش. مسئله مهم و نخست این مقاله که به بوته آزمایش گذارده شد، تبیین و تحلیل این مسئله بود که اصولاً مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارکردهای پان‌شعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش چیست؟ نویسندگان با تاکید بر سه اصل اقتدارگرایی صدر، همگرایی با اهل سنت و جریان وهابیسیم سعودی و ناسیونالیسم افراطی وی در کنار برخی دیگر از موارد تسهیل‌کننده همچون عدم دخالت مرجعیت نجف در مسائل سیاسی، چالش با نیروهای حشدالشعبی و اتخاذ مواضع مبهم و دوپهلوی در قبال جمهوری اسلامی

ایران و سوریه قائل به ایجاد نوعی شکاف در جبهه شیعیان می‌باشند. این مسئله در ادامه می‌تواند بسترساز دو جریان کلی گردد. جریان نخست، به نظر منجر به تقویت گرایشات پان‌عربیستی قدرتمند جریان صدر گردد که این مسئله می‌تواند تهدیدات جدی برای شیعیان عراق و منطقه ایجاد کند. مسائلی همچون تنش با سایر جریان‌های شیعی فعال در عراق همچون جریان حکیم، مرجعیت اعلای شیعیان عراق، جریان سیاسی- نظامی حشدالشعبی و کاهش روند همگرایی پراگماتیک با جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان و دولت اسد در سوریه. جریان دوم را می‌توان بازخورد سیاست‌های اتخاذی از جریان اول قلمداد کرد. به این صورت که گفت‌وگوهای مصالحه و همگرایی با سیاست‌های آل سعود و وهابیسیم، تمایلات فزاینده به عضویت در شورای همکاری خلیج فارس، تمایل به سیاست‌های سرمایه‌گذارانه شیوخ خلیج فارس در بازسازی عراق و به‌طور کلی گسست تدریجی از جبهه مقاومت به جبهه پان‌عربیستی منطقه. لذا به زعم نویسندگان مسئله مهمی که به نظر آینده وحدت شیعیان منطقه را با شکافی عمیق مواجه کند، ظهور یک نهضت پان‌شیعیستی- عربی قدرتمند از سوی جریان مقتدی صدر باشد که از یک سو روند واهمگرایی با جمهوری اسلامی ایران و سایر متحدین را روزافزون نماید و از دیگر سو، در راستای افزایش مشروعیت به ایجاد یک ائتلاف قدرتمند صرفاً عربی منتهی گردد.

References

- Aboulenein, A., & Chmaytelli, M. (2018). Populist cleric Sadr all but wins Iraq election, *The World News*, May 13, 2018.
- Alishahi, A.; Masoudnia, H., & Forouzan, Y. (2017). A Study of Political Relations between Qatar and Saudi Arabia: From Explanation of Convergence to Political Breakdown (From Awakening to the Crisis of Cessation of Political Relations in June 2017), *Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 7(24), 49-72. (in Persian)
- Azghandi, A., & Karami, S. (2007). Ethnicity and the establishment of a democratic political system in Iraq, *journal of political science*, 4(7), 5-26. (in Persian)
- Badie Azandahi, M.; Mohammadi, A., & Zamani, A. (2017). Territorial conflicts in northern Iraq: land, ethnicity and politics, *Journal of Human Geography Research (Geographical Research)*, 49(3), 637-656. (in Persian)
- Baghdad, H. (2018). Muqtada al-Sadr's request the Popular Mobilization Forces to avoid politics and elections, *AlHayat News*, Access in:
- Cambanis, T. (2018). *Can Militant Cleric Muqtada al-Sadr Reform Iraq?* London: The Century Foundation.
- Chmaytelli, M. (2017). Sadr becomes first Iraqi Shi'ite leader to urge Assad to step down, *The Reuters*, 9 April 2017.

- Cochrane, M. (2008). *The Battle for Basra*, New York: Institute for the Study of War Press.
- Coker, M. (2018). The reinvention of Muqtada al-Sadr, Iraq's new face of reform, *The Irish times*, 21 May 2018.
- Dadfar, S. (2010). Transformation in the Sociological View of Shiite Iraq in the 20th Century (Causes of Consequences), *Shiite Studies*, 8(32), 132-189.
- Dai, Y. (2008). Transformation of the Islamic Da'WA Party in Iraq: From the Revolutionary Period to the Diaspora Era, *Journal of Asian and African Area Studies*, 7(2), 238-267.
- Dehghan, Y.; Ketabi, M., & Jafarinezhad. (2017). the Impact of Social Splits on the Formation and Growth of Extremism in Syria, *Journal of Strategic Policy Studies*, 5(20), 111-136. (in Persian)
- Deji, O. (2011). *Gender and Rural Development*, London: LIT Verlag Mnnster.
- Doustmohammadi, A., & Salem AlGhaban, M. (2015). Investigating the Impact of Shiite Groups in Iraq on the Future of the Future of the New Middle East, *Journal of Politics*, 45(3), 655-677. (in Persian)
- Ghasemi, A. (2014). Pathology of Social Gaps and Strategies for Strengthening National Solidarity in Iran, *Strategic Quarterly*, 23(71), 41-72. (in Persian)
- Helfont, S. (2018). An Arab Option for Iraq, *Journal of Orbis*, 62(3), 409-421. <http://www.alhayat.com/article/4578044> (in Arabic).
- Jabar, F. (2018). *The Iraqi Protest Movement from Identity Politics to Issue politics*, London: LSE Middle East Centre Paper Series.
- Khalili, M. (2013). The new Iraqi constitution and the re-emergence of political conflict, *Quarterly journal of world studies*, 3(1), 93-120.
- Koulaei, E., & Akbari, Z. (2017). The fragile state in Iraq and women's security, *Journal of Politics*, 40(1), 159-177. (in Persian)
- MacDonald, A. (2018). Sadrist-Communist alliance set for victory as PM Abadi calls for cooperation, *Middle East Eye*, 17 May 2018.
- Mansour, R. (2017). *Iraq after the Fall of ISIS: The Struggle for the State*, New York: Middle East and North Africa Programme.
- Mansour, R., & AbdolJabbar, F. (2018). *The Popular Mobilization Forces and Iraq future*, Alshatq al Owsat Central Publication. (in Arabic)
- McKay, A. (2002). Defining and Measuring Inequality, *Journal of Briefing Paper*, 1(1), 1-16.
- Mirahmadi, M., & Marzeh. MH. (2017). The Political-Islamic Political Currents of Iraq After 2003, *Journal of Political Science of Bagher-Al-ulum University*, 20(77), 75-98. (in Persian)
- Mostafa, M. (2017). Saudi officials denies request for Iraqi mediation with Iran: state agency, *Iraqi News*, 16 August, <http://www.iraqinews.com/features/Saudiofficial-denies-request-iraqi-mediation-iran-state-agency/> (accessed 23 August 2017).

- Murphy, B., & Qassim A. (2008). *Martyrs List tallies Mahdi Army Troubles*, Washington: The Associated Publications.
- Naderi, A. (2013). Discourses of Strength and Resistance in the Socio-Political Sector of Iraq in the Twentieth Century, *Journal of Shia studies*, 11(43), 5- 54. (in Persian)
- Najafi, F.; Masoudnia, H., Emamjomezadeh, S. J., & Nassaj, H. (2016). Federalism and the triangle of power (Shiites, Kurds and Sunnis) in the new political structure of Iraq, *Journal of Contemporary Political Studies*, 17(1), 161-183. (in Persian)
- Neckerman, K., & Florencia, T. (2007). Inequality: Causes and Consequences, *Journal of Annual Review of Sociology*, 33(11).335-357.
- Niakooei, A., & MoradiKelardeh, S. (2015). Competing regional powers in Iraq, *Foreign Relations Quarterly*, 1(7), 121-168. (in Persian)
- Noman, H. (2018). Iraq's next election: a military coup through democracy, Washington Center Publication. (in Arabic)
- Rahimi, B. (2007). The Sadr-Sistani Relationship, *Journal of Terrorism Monitor*, 5(6), 1-16. (in Persian)
- Rastgou, M.; Asadi., AK. & MousaviShafaei, SM. (2018). Sunni political options in Iraq: from conflict to Sunni climate, *Journal of Strategic Policy Studies*, 7(25), 247-268. (in Persian)
- Samiei Esfahani, A. (2011). Social gaps, weak parliament and government of Leviathani, *Journal of Baharestan's Documentation*, Attached to the Quarterly, 153-176. (in Persian)
- SamieiEsfahani, A., & NorouziNejad, J. (2012). Government-International Multination and Political Violence in New Iraq, *Iranian Journal of International Policy Research*, 2(1), 95-121. (in Persian)
- Sardarnia, Kh. (2012). Iraq, Continued Violence and the Dream of Democracy: A Multilevel Analysi, *Journal of Strategic*, 21(63), 7-36. (in Persian)
- Sardarnia, Kh. (2016). Analysis of the Syrian crisis from the perspective of social gaps, *Journal of Political Sociology of the Islamic World*, 4(1), 111-132. (in Persian)
- Seifalddin, A. (2018). 62 military officers are candidates for the 2018 election, New AlArabi, Access in: <https://www.alaraby.co.uk/politics>
- Shariati, Sh., & Mirzadeh, A. (2015). Contradiction of Violence of Hegemony and Terrorism in Iraq, *Journal Management System*, 7(25), 78-51. (in Persian)
- Sohrabi, M.; Ashrafi, A., & Karimi, M. (2016). Anatomy of Iraqi political parties and groups and their impact on the relations between Iran and Iraq, *International Journal of International Relations*, 9(34), 167-196. (in Persian)
- Tabatabaei, S. (2013). New political gaps in European societies, *Foreign Relations Quarterly*, 5(2), 189-220. (in Persian)
- Taheri KalKeshondi, M., & Taghizadeh Davari, M. (2014). The Shiite Currents Approach to the New Developments in the Country, *Shiite Quarterly*, 12(48), 127-148. (in Persian)